

وجود داشته باشد. من به‌شخصه آنچه امروز می‌بینم دو نفر واقعا حمایت می‌کنند. در زمینه تئاتر آقای نوید محمدزاده و در زمینه سینما هومن سیدی. یکی مثل آقای سیدی می‌آید و جشنواره سینمای عباس کیارستمی را به‌صورت شهری و نوپا با هزینه‌های خودش شروع می‌کند و علاقمندان می‌توانند پنجاه فیلم بفرستند یا آقای نوید محمدزاده که از بازیگران و کارگردانان خوب حمایت می‌کنند. مشکل من فقط اینجاست که خیلی از کارگردانان محترم که الان شاید دو سه سال است رفته‌اند در اتاق‌هایشان و اولین ایده‌شان این است که ماچند بازیگر چهره داشته باشیم و یک سالن خوب هم بگیریم و حالا نمایش فروش می‌رود و متن هم هر چه بود، این خیلی ناراحت‌کننده است و گرنه ورود سینماگران که مشکلی ندارد. یک سری از سینماگران را داریم که در اصل تئاتری بودند و نمی‌توانیم بگوییم حق ورود ندارند، خیر، حق دارند اما به آن شرط که حداقل بلد باشند روی صحنه راه بروند و چهار تا دیلوگ بگویند و یک ساعت روی صحنه بتوانند مخاطب را ثابته به ثلثیه و نفس به نفس با خودش بکشند. مشکل این است که اکنون تئاتر ماطوری شده که بازیگران تئاتر همه می‌نالند که تئاتری‌ها نمی‌توانند این روزها بروند تئاتر ببینند چون بلیت‌ها همه بالای ۱۰۰ هزار تومان شده است و وقتی آن نمایش را می‌بینیم متوجه می‌شویم که غیر از وجود چهره‌ها، هیچ چیزی نیست از نوع دکوپاژ، دراماتوری، میزان صحنه و نوع کاراکترسازی بازیگران و... هیچ چیزی ندارد و این درد است. تا همین امروز هم کسی به بازیگران تئاتر پول نمی‌دهد می‌گویند اصلا شما چهره نیستی و می‌پیتید که الان ۹ سال طرف کار می‌کند و یک ریال هم به آن‌ها نمی‌دهند. این است که باعث می‌شود بازیگران تئاتر بگویند یک سری از سینمایی‌ها اصلا نباید وارد تئاتر شوند. ای کاش بزرگان حمایت کنند که باز من می‌گویم مثل آقای نوید محمدزاده و هومن سیدی. ما خیلی‌ها را داریم که می‌توانند کمک کنند.

برخی از اهالی تئاتر در گفت‌وگو با ما از این دغدغه حرف زده بودند و می‌گفتند برای مثال زمانی که یک نمایش با بازیگران چهره در تماشاخانه است بلیت‌هایش فروش می‌رود و سالن دیگری که شاید بازیگران چهره نداشته باشد اما یک نمایش پخته را روی صحنه می‌برد با سالن خالی مواجه هستند.

سالن به کسانی که تازه کار هستند نمی‌دهند در حالی که نمایش و پتانسیل آن را می‌بینند. نمایش‌هایی هستند که اجراگرانش ۹ ماه کار می‌کنند. کدام بازیگر چهره‌ای حاضر است ۹ ماه بیاید مونولوگ بزند روی صحنه، هفته‌ای چهار جلسه بیاید تمرین کند و بعد کار را روی صحنه ببرد. باور کنید برای من پیش آمده بازیگر چهره‌ای جذابی که در سینما الان مطرح است وقتی که من به او می‌گویم تمرین کنیم می‌گوید من اصلا هیچ وقت پلاتو نمی‌روم که تمرین کنم و هر وقت سالن حل شد یک هفته قبلش به من می‌گویند و می‌آیم روی صحنه و دیلوگ‌هایم را می‌گویم. مشکل این است که به بازیگران تئاتر اعتماد ندارند بازیگرانی که ۹ ماه کار می‌کنند یعنی سالی فقط یک نمایش می‌توانند اجرا کنند. نوید محمدزاده لطف کرد و یک آشتی‌کنان بین عوامل سینما و تئاتر راه انداخت اما متأسفانه دوستان چهره‌از آن برداشت غلط می‌کنند و فکر می‌کنند چون چهره هستند بلافاصله باید رتبه الف تئاتر بیایند و شروع به کار کنند. از نظر من این اتفاق خوب زمانی می‌افتد که با یک ترکیب خوب بین بازیگران امروز که واقعا تلاش می‌کنند و پراز پتانسیل هستند در کنار چهره‌هایی توان این آشتی‌کنان که محمدزاده شروع کرد را ادامه داد.



هژیر سام احمدی؛ بازیگر تئاتر «پس از برخورد جسم سخت با سر» در گفت‌وگو با «صبا»:

به بازیگران تئاتر اعتماد ندارند



دلارام صادقی
گفت‌وگو

«پس از برخورد جسم سخت با سر» نام نمایشی است به نویسندگی و کارگردانی سجاد داغستانی که این نمایش در سال ۹۷ دو بار اجرا رفت. «پس از برخورد جسم سخت با سر» مرادماه امسال با ترکیب جدیدی که بازیگرانش در هر اجرا تغییر می‌کردند در تماشاخانه آلمان به صحنه رفت. هژیر سام احمدی؛ بازیگر تئاتر، از بازی در این نمایش و دغدغه‌ها به «صبا» گفت که در ادامه می‌خوانید.

کمی از «پس از برخورد جسم سخت با سر» برای ما بگویید.

نمایش «پس از برخورد جسم سخت با سر» به‌صورت اپیزودیک است که اپیزود اول دوباره یک دختر است، دومی درباره پسری است که به «مایکل» معروف است و اپیزود سوم نیز در مورد دکتر مصدق است که نمایش به‌صورت پیوسته در سه اپیزود جداگانه به روی صحنه می‌رود.

سال پیش نیز دوبار نمایش «پس از برخورد جسم سخت با سر» اجرا شده و امسال سومین اجرای این نمایش است، به‌عنوان بازیگر این نمایش، دلیل موفقیت و اجرای مجدد آن را در چه می‌دانید؟

دلیلش را می‌توان در سه قسمت بیان کرد: متن خوب، خلاقیت‌ها و در آخر اجرای هنرپیشه‌ها. در اجرای قبل سه بازیگر ثابت با یک متن داشت اما این بار سجاد داغستانی ایده جدیدی انتخاب کرد که هر شب سه بازیگر متفاوت کار را اجرا می‌کنند و طراحی صحنه تغییر داده شد. متن همان متن سابق بود، اما توانستند با یک ترکیب‌بندی خوب دوباره مخاطبان را جذب این نمایش کنند.

شما در اپیزود دوم نمایش «پس از برخورد جسم سخت با سر» بازی می‌کنید؛ درباره کاراکتر و نقشی که بازی می‌کنید توضیح دهید.

نقش پسری را بازی می‌کنم که معروف به «مایکل» است و در عالم زندگی خودش «مایکل جکسون» را رقیب صمیمی خودش می‌داند و با آن درد و دل می‌کند. این شخصیت بیشتر درباره مشکلات جوانان حال حاضر امروز می‌گوید و فکر می‌کنم این موضوع یکی از دلایلی است که باعث شده نمایش خیلی مخاطب داشته باشد. با توجه به این که نمایش «پس از برخورد جسم سخت با سر» کم‌دی‌سیاسی است و مشکلات جوانان را مطرح می‌کند؛ در اجرا چقدر توانستید به خط‌قرمزها نزدیک شوید و دستتان برای بازگو کردن مطالب باز بود؟

من به‌عنوان یک اجراگر هر آنچه متن از قبل ممیزی‌هایش تمام شده بر اساس همان چیدمان کردم. به‌شخصه آمدم و متن را خواندم و دیدم که این کاراکتر پتانسیل‌هایی دارد و یک شخصیت ساختم و کاراکتری به آن اضافه کردم و بعد استراتژی در آن کار آوردم. برای مثال من برای «مایکل» در کل طنز اجرا نکردم. شاید متن طنز باشد اما جل‌هایی را احساسی استفاده کردم. در بحث خط‌قرمز هم در واقع متن سیاسی و یا خط‌قرمزهایی ندارد که بخواهد مشکل‌آفرین باشد. یعنی یک متن واقعی روزمره است که از زبان یک کاراکتر عجیب‌غریب‌تر روایت می‌شود.

در اجرای نمایش شما اجازه بداهه‌گویی داشتید؟ خیر؛ به هر حال حساسیت متنی بالاست و آقای داغستانی نمی‌خواهند که برخی افراد نسبت به او و نمایش حساسیت پیدا کنند. ما کلمات از متن استفاده می‌کنیم مگر این که در موقعیت‌های احساسی در حد یک کلمه که بتوانیم جمله قبلی را به جمله بعدی ربط دهیم که آن هم در موقعیت‌ها گفته شده و نمی‌توانیم از آن بیرون بزنیم. به‌راحتی می‌توانیم بگوییم که ۹۸ درصد در چارچوب است.

خیلی از بازیگران تئاتر به این که چهره‌های تلویزیونی یا سینمایی به تئاتر ورود پیدا کنند مخالف هستند؛ نظر شما به‌عنوان بازیگر تئاتر در این باره چیست؟ این موضوع یکی از دغدغه‌های من بود که خیلی دوست دارم در موردش حرف بزنم و این فقط حرف من نیست بلکه حرف دل خیلی از بازیگران تئاتر است. اولاً نباید فاصله‌ای بین بازیگران تئاتر و بازیگران سینما